

عنوان مقاله:

همچو شیری در میان نقش گاو (تئوفانی ها در آثار مولوی)

محل انتشار:

فصلنامه ادبیات عرفانی، دوره 3، شماره 4 (سال: 1390)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

جلیل مشیدی - دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

ساسان زندمقدم - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه اراک

خلاصه مقاله:

در آثار مولانا جلال الدین بلخی، تمثیل ها و تشبیه تمثیل های بسیاری به کار رفته است تا مفاهیم و آموزه های مورد نظر خالق آن را برای مخاطب بازگو کند. در برخی موارد، مطابقت زائدالوصف ممثل ها بررسی شدنی است؛ چراکه در همه آن ها شیری در وضعیتی قرار گرفته که به غلط گاو پنداشته یا دیده می شود. این ممثل، سمبل است؛ ترکیبی پنهان و پیدا از موجودی که اجزای سازنده آن، یعنی شیر و گاو، هریک نمادی مجزا هستند. آنچه در این میان دیدنی است، استادی شگفت آور مولانا جلال الدین در خلق هنری نمادی جدید با این سمبل هاست. دین، حدیث و سنت بر یکسان بودن حقیقت وجوه مختلف رسالت، یعنی کلمه الله، رسول الله، کلام الله و اولیاء الله، آن ها که به اصطلاح می توان تئوفانی¹ خواندشان، صحه گذارده اند. به همین دلیل، مولانا جلال الدین برای خلق نمادی که بتواند تئوفانی را سمبلیزه کند، از ترکیب نماد الوهیت (شیر) با نماد دنیاوی بودن (گاو) بهره می برد. او برای تمثیل کردن این ها نماد شیر در میان نقش گاو را به منزله ممثل برمی گزیند. این نماد در دیوان شمس هم دیده می شود؛ اما بیشترین کاربرد آن در مثنوی است. جالب توجه اینکه نحوه تکرار این نماد، ساختار معنایی کشف شده در مثنوی را تصدیق می کند و این ساختار نیز نحوه به کارگیری این نماد را در مثنوی توضیح می دهد. از این رو، اهمیت، جایگاه و تشخیص آن در ذهن و زبان مولانا جلال الدین آشکار می شود

کلمات کلیدی:

تئوفانی، سمبل، شیر، گاو، مولانا جلال الدین بلخی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/867915>

